



یادداشت سردبیر

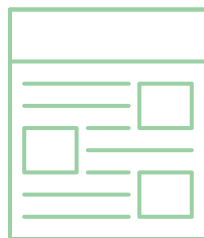
# نسل جدید یادگیرندگان

مهدي واحدي

اگر عبارت «نسل جدید یادگیرندگان» را برای دانش‌آموزانی به‌کار ببریم که امروزه و پس از حدود دو سال خانه‌نشینی ناشی از همه‌گیری ویروس کرونا کم‌وبیش به مدرسه بازگشته‌اند، اصلاً اغراق نکرده و از اصطلاح عجیب و ناصحیحی بهره نبرده‌ایم. در واقع انس و پیوندی که در این مدت میان دانش‌آموزان و مؤلفه‌های زیست‌مجازی ایجاد شده، آن‌ها را به نسلی تبدیل کرده که نامیدن آن‌ها با عباراتی همچون «نسل دیجیتال»، «نسل گوگل»، «نسل تاج»، «نسل مجازی» و امثال آن‌ها بجا و بامسماست، چه بپذیریم چه نه، چه مطلوبمان باشد یا خیر، چه نگران شده باشیم یا خاطر جمع، چه آماده باشیم یا غافلگیر، این نسل جدید در حال ورودی نوین به مدرسه و کلاس درس است! و به نظر می‌رسد بازگرداندن آن‌ها به ویژگی‌های شناختی، ارتباطی، عاطفی، اجتماعی و تحصیلی دوران قبل از همه‌گیری کرونا، اگر نگوییم محال، فوق محال است! و اصلاً چرا باید به مسیر و وضعیتی اندیشید که امکان بازگشت به آن نیست و نه تنها نیست که اساساً خیری و صلاحی هم در این بازگشت وجود ندارد؟ در حال حاضر، آنچه مهم است، شناخت مقتضیات زمانه و ویژگی‌های زمینه جدیدی است که شکل گرفته است. باید تغییرات را درک و فهم کرد، باید بسترهای جدید را فراهم کرد، باید امکانات لازم را تدارک دید، باید مهارت‌های جدید را به‌دست آورد و شرایط جدید را با آغوش باز پذیرفت و آماده شد و آن را مدیریت کرد.

برای ایجاد این آمادگی و کسب توان مدیریت بهینه و اثربخش این شرایط، در سه زمینه نیازمند ملاحظات و برنامه‌ریزی هستیم: در حوزه کلان آموزش و پرورش، در حوزه مدرسه و در حوزه کلاس درس و معلم.





در عین اینکه ظاهراً آخرین حلقه یا مرحله عملیاتی شدن همه سیاست‌گذاری‌ها و تصمیم‌گیری‌های آموزشی و پرورشی است، اما عینی‌ترین و چه‌بسا مهم‌ترین این حلقه‌ها یا مراحل است. تمام آنچه به تصمیم و سیاست ابلاغی و دستورالعمل و راهنما تبدیل می‌شود، باید در این بستر تبدیل به عملیات و اجرا شود. معلم بیشترین درک و برخورد مستقیم را با این «**نسل جدید یادگیرندگان**» دارد و سنگین‌ترین بار را هم او به دوش می‌کشد. برای کسب آمادگی لازم و توسعه توانمندی معلمان و بهره‌گیری مناسب از شرایط ایجاد شده، مواردی به معلمان گرامی پیشنهاد می‌شوند:

– آموزش و تربیت رسانه‌ای دانش‌آموزان باید به‌عنوان بخشی جدایی‌ناپذیر از وظیفه آموزشی و تربیتی تمام معلمان تلقی شود (البته این نیازمند کسب دانش و مهارت در زمینه تربیت رسانه‌ای توسط معلمان است)؛

– به کمک‌کنندگی و اثربخشی بهره‌گیری از روش آموزش معکوس توجه شود؛

– از امکانات گروه‌بندی و ارائه تکالیف و پروژه‌های برخط گروهی بهره گرفته شود؛

– معلمان برای تعاملات برخط برون‌کلاسی با دانش‌آموزان، حتماً برنامه صحیح و نظام‌مندی داشته باشند؛

– کارآمدی اشتراک‌گذاری تمرین‌های تکمیلی و آموزش‌های مکمل مد نظر قرار گیرد؛

– نمونه‌هایی از ارزشیابی (نمونه سؤالات) در بستر مجازی، به همراه تکالیف مربوط به آن‌ها، ارائه شوند؛

– لینک دائمی ارتباط با خانواده (والدین) دانش‌آموزان در طول سال تحصیلی فرصتی مغتنم شمرده شود و برای ایجاد و برقراری آن تلاش شود؛

– از کلاس درس فیلم‌برداری شود و در بسترهای آموزش مجازی، به‌صورت غیرهم‌زمان برای دانش‌آموزان به اشتراک گذاشته شود؛

– اشتراک‌گذاری زنده و هم‌زمان کلاس درس در بسترهای مجازی آموزش نیز لحاظ شود.

آنچه در این نوشتار در قالب بایسته‌ها و شایسته‌های سه حوزه کلان، میانی و میدانی آموزش و پرورش ذکر شد، مقدمه‌ای است برای ورود اندیشمندان و همراه با آمادگی‌های کارشناسانه برای مواجهه با «**نسل جدید یادگیرندگان**». اگر ما آمادگی لازم و تطبیق‌های صحیح و عالمانه و به‌نگام رویارویی با ویژگی‌های این نسل جدید را در سطوح گوناگون کسب نکرده یا فراهم نیاورده باشیم، فرصتهایی که می‌توان از آن‌ها برای ارتقای کیفی آموزش و تربیت بهره گرفت، خدای ناکرده به تهدیدی برای تحقق اهداف تعلیم و تربیتی تبدیل خواهند شد!

### ۱. حوزه کلان آموزش و پرورش: نظام تعلیم و تربیت برای

اینکه بتواند نقش مدیریت کلان و سیاست‌گذاری و رصد و پایش ملی خود را در این شرایط ایفا کند، طبعاً باید به اقدامات جدید یا تکمیلی نسبت به آنچه در این دو سال کرده است دست بزند، از جمله:

– توسعه و ارتقای بسترها و برنامه‌های کاربردی آموزش مجازی (به‌عنوان سیستم مکمل و موازی آموزش حضوری)؛

– چندرسانه‌ای کردن کتاب‌ها و محتواهای آموزشی و درسی (مثلاً بهره‌گیری از زمینه‌های سریع پاسخ QR کدها)، و هایپرلینک‌ها در منابع آموزشی)؛

– تدوین سند راهنمای چگونگی حضور دانش‌آموزان در فضای مجازی و اینترنت و کم و کیف بهره‌گیری از آن؛

– تعیین تکلیف و ارائه راهنمای عملیاتی برای چگونگی استفاده از ابزارهای هوشمند یادگیری سیار در مدرسه (به‌طور مشخص موبایل و تبلت)؛

تمامی چهار مورد اشاره‌شده نیازمند تشریح تفصیلی هستند، لیکن این کار از حوصله و گنجایش صفحات یادداشت مجله خارج است. حتماً برخی از این موارد مسائلی پرچالش هستند و مباحث و گفت و شنودهای کارشناسی فراوانی نیاز دارند که در اینجا فقط اشاره‌ای به آن‌ها شد.

### ۲. حوزه مدرسه: مدرسه به‌عنوان جایگاهی واسط و میانی

بین نظام کلان برنامه‌ریزی و تصمیم‌گیری آموزش و پرورش و میدان عملیات آن، یعنی کلاس درس، نقش مهمی ایفا می‌کند و به نظر می‌رسد می‌تواند یا باید برای مدیریت و تطبیق خود با وضع جدید پیش‌آمده، در چند زمینه فکر و عمل کند:

– حفظ بخشی از کارویژه‌ها و وظایف مدرسه در بسترهای مجازی ایجادشده برای آموزش (حتی در صورت برقراری کامل آموزش حضوری). مثل انجام امور مربوط به ثبت‌نام‌ها، صدور گزارش‌های پیشرفت تحصیلی و نتایج ارزشیابی‌های تکوینی، ارائه گزارش‌های انضباطی و حضور و غیاب دانش‌آموزان، بخش‌هایی از فعالیت‌های پرورشی و فرهنگی مدرسه و...؛

– همکاری و پایش فعالیت‌های آموزشی و تربیتی معلمان مدرسه در بسترهای آموزش مجازی؛

– مدیریت ابزارهای هوشمند یادگیری سیار دانش‌آموزان براساس سند راهنمای تنظیم‌شده توسط سطح کلان آموزش و پرورش؛

– همکاری و پایش فعالیت‌های آموزشی و تربیتی معلمان مدرسه در بسترهای آموزش مجازی؛

– مدیریت ابزارهای هوشمند یادگیری سیار دانش‌آموزان براساس سند راهنمای تنظیم‌شده توسط سطح کلان آموزش و پرورش؛

– همکاری و پایش فعالیت‌های آموزشی و تربیتی معلمان مدرسه در بسترهای آموزش مجازی؛

### ۳. حوزه میدان کلاس درس و معلم: کلاس درس